

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوهستان

بهیج حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

شنبه ۱۶ - آشفند ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۸

تک شماره ۴ ریال

بناصب

پایان سال اول

با انتشار این شماره یکسال از عمر مطبوعه کوهستان میگذرد. ما بطور کلی که بارها متذکر شده ایم هیچ چیز فکر ایجاد نشود. به نظر ما کسی فکر ایجاد آبرائی و جلب توجه اولیاد دولت بناتفاق کرد تنه و تشویق اصلاح طلبان مبارزه با فاسدانی که موجبات برپائی مردمان این سامان گردیده. صرفاً میگوید آنچه که یکسال میگذرد که این آرزوی ما جوانان عمل پوشیده لازم میدانیم از کلیه کسانی که ما را در ادامه این خدمت تشویق نموده اند امتنان نموده و از کلیه های مسیبهات و مصائب آنان تشکر کنیم. حاصل بسیار موفقی که ما را زیادهمان

آقای کلامی از جهت فروگذار نکردن در مهیاد آقای سیدان جدیدی کوشش فراوان مینموده داشته در سطر آقای دهنور مسیبهات تبلیغ نموده در کرمانشاه آقای شاکری میبدانه عسکری داشته اند و در خرم آباد آقایان امین حسینی و آسالمی ملاه خاصی بخرچ آمده اند و بجنورد کتا فروشی انبال و تبریز بزرگوار میباشند که اطلاعات در مورد کوهستان آقای فریدی و روزنامه اراد در سنتر سلاسلندانه فرار داده اند و در گیلان همداد با دربار آقای پناه رضائی که برودت هاشمین آقای حسین کاتبینی در بناد آقای مهدی جواد و در سیستان آقای جهان شیوان صاحب نظران از کلیه بفرش روز نامه مشابه نداشته اند.

فرد از آقایان نامبرده فوق عده زیادی از علاقمندان جدا در تبلیغ روز نامه و معرفی مشترکین جدید کوشش و تلاش خاصی میگردند داشته از جمله آقای ایلخانی زاده پشیمان فر مشترکین آقایان دیگر از یک تا بیست نفر معرفی نموده اند. یکی دیگر از مشترکین نیز چهار روزنامه مشترک شده که تعدادی که بروی نامه ما منظوری داشته اند آقای جنر کریمی از امپاد پنج هزار دینار و سه نفر باقی کرده سال پوهان میگزوار و دوستی دینار و هنگام عودت روز نامه از طرف آقایان سمنی هایری جبران عمل آقایان ارسال داشته اند.

فیاض کتبهای که بطور انضمام ذکر شده غیر از فروش رجه اشراک و بهائی آگهی ها اداره روزنامه کوهستان غایب دیگری داشته و با همین وجه بوده است که یکسال روزنامه ما آبرومندانه اداره خواهد شد.

ایشان در نتیجه حسن نیت آقای شیباس رئیس دادگاههای پیش کردستان آگهی های چندین باره روزنامه ما وسیده مالز این اقدام ایشان از دو جهت امتنان داریم یکی اینکه آگهی های دادگاه شیباس بوسیله روز نامه کوهستان با اطلاع خوانندگان بسیاری در مناطق گردنشین رسیده و منظور اصلی از آگهی یعنی آگاه شدن مردم از موضوع آن تا بنین هم در دیگر از لحاظ کلیه کارهای اداره روزنامه لازم است این توضیح داده شود که برای این آگهیها اداره روزنامه تخفیف فوق العاده ای قائل شده یعنی فقط ۲۰٪. سپاه مسئولیها در دریافت میبازد و از این نظر کلیه موفری سپاسگاری می نمود.

این موضوع برای روزنامه که لازم بود علاقمندان از آن مستحضر باشند. سال آینده نیز در قطع روزنامه نیز تمام تیریزی به همین وجه اینکه در همان قطع سعی کنیم با استفاده از افزایش پستهای جای بیستیزی برای چاپ مطالب تا بنین و نامیم ولی همینکه وضیعت مالی روزنامه اجازه دهد تیریزات اساسی داده خواهد شد. چون سال روزنامه پایان یافته و پنجه هفت من پیش با آخر سال ۱۳۲۴ بانلی نامه و بانلی نامه ای تیریزاتی در سازمان اداری روزنامه چند روزی وقت صرف خود در نظر داریم موقتاً تا آخر اشفند از انتشار روزنامه خودداری نموده و اولین شماره سال دوم روز نامه در هفته اول فروردین تقدیم خوانندگان فائیم با در نظر گرفتن غرایب راهبها و راهبها حرکت پست خود به وصول این شماره به قهرستانها تقریباً مقارن عید نوروز خواهد بود لازم میدانیم تبریکات مسیبهات خود را بناتمامت فرارسیدن سال جدید بمقدم خوانندگان ارجمند خود تقدیم و موقتت آقایان و از خواهان مهلت نامیم.

نشر این روزنامه تشویق مینماید پشتیبانی و انصاف افکار عمومی ما کنین مناطق کرد. داشته بود. ما نیز بنوع خود نهایت سعی را داشته ایم که از منکس بودن آن انکار خودداری نکرده و رخص القدر آنچه را نظریه می بینیم این مردم است در خدمت کلیه کوهستان از نظر خوانندگان بگذریم که شاید همین اصل هم موجب شده باشد که همه ای با ما یافتن مخالفان شده و یا عدالتی هم ظاهر امیالتهای بناتمامت عدلی غایب شد. مگر اینکه که در تالان و نواحی موضوع خطا رفت ایم و یا تالان اظهار نظر ما با عقیده آنها موافقت نداشته است. بهیچ است و در کوشش که با این دو نفر کلام موافق بسیار مشکل است باید انتظار داشته باشیم تمام مطالبی را که نوشته ایم همه خوانند.

تالان شخص آدم بقو فاسدی است همه مردم به فساد او متضرر میباشند. چقدر دوست و رفیق دارد بیفایده است اگر ما ترویسیم چنین شخص فاسدی است عقیده اکثریت فریب باغیان را بیان کرده ایم ولی طفا منظر نظر دوست و رفیقش با این عقیده ما روی صحن اصول در نشانی مخالف بوده و نخواهند گفت از سلیقه منصرف شده ایم و شاید برای ایلک اصراف ما هم پیشتر خود دلایل خود کوهستان اظهارات

ما را حل بر می اعلامی با هم توجه و با هم خصوصی بناتمامت. در اینجا لازم است تذکر دهیم که ما در نوشته های خود نظریات منطقی بکار نمیبریم و با بکار بردن آن جدا پریمز میکنیم و با کسی خود حساب خصمی نداریم که بخواهیم تصدیق حکمتیم بنابر این اگر خوانندگان دو نوشته ما موضوعی را برخلاف واقع بداند خوب است بیا تذکر بدهند که اگر دچار اشتباه شده باشیم اشتباه ما رفع شده و از خوانندگان هم رفع شبهه کنیم.

از این منضمضم میگذریم. سال اول انتشار روزنامه کوهستان پایان یافت. نشرات دوروش آن را بجهه یکسال خوانندگان میگذریم و این را نیز اضافه میکنیم که یک سال روزنامه جوانان لطفاً نیتوانند بدون قضا باشد و شاید ما خود هم بنوازش آن نبی برده باشیم ولی اگر شرایطی را که ما در آن قرار گرفتیم در نظر بگیریم قطعاً تصدیق خواهیم داشت که انتشار این روزنامه بارضی کنونی آن نتیجه کوششها و جدتهای زیاد است ولی ما امید داریم که اینک بهرور این نواض وضع شده و روزنامه کوهستان بصورت بسیار جالب توجهی از نظر خوانندگان بگذرد.

یکی از شرایط ادامه و بهبود روزنامه موضوع مالی آن است و ما چون سرمایه بزرگی برای انتشار آن در اختیار نداشته ایم ترویسیم دست به ترویس آن بر لب سرمایه یکسال روزنامه ما بطور کلی اغلب خوانندگان محسوس خودمان در آمدت فروش خود و اشراکات نامین شده میباشند که ما در کوهستان ما با جدیت و علاقه منصوص در تبلیغ و فروش روزنامه و ارسال خود اشراکات همکاری میگردیم. برای این خدمت ملی میبگیریم پاداش مالی دریافت نداشته اند.

دروستندگی آقای همیاس آزاد و در حقیقتا جدیت بفرج داده در سطر آقای تیمورزاده درخش سال اول و پس از او

خبرهای کشور

نصت وزیر و هیئت اعزامی در مسکو

روز سه شنبه صبح هیئت اعزامی ایران بسکو تحت وهامت آقای نصت وزیر از تهران حرکت و ساعت هشت و نیم صبح به یاد کو رسیده چون هوا مساعد بود حرکت آنها به روز بعد موکل گردید.

روز سه شنبه ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه هواپیمای حامل هیئت اعزامی در فرودگاه مسکو فرود آمد. مولوتوف کسیر امور خارجه. کازوروف معاون کسیر امور خارجه و معاون کسیرای بازرگانی خارجی و ژرال سینوفف نماینده ارتش سرخ و ژانل دیگر شوروی در فرودگاه حضور یافتند. فرودگاه با پرچمهای ایران و شوروی زینت یافته بود غلام آملی همراه اعضای رابرت سفارت شاهنشاهی ایران و سایر نمایندگان وزارت خارجه برای استقبال بفرودگاه آمده بودند.

نمایندگان سیاسی بالایی تمام روسی حضور داشته در میان گروه پیشاری که در فرودگاه حضور داشته سفاری کبار و وزرای معنادر دولت های ترکیه و افغانستان و لهستان و یوگوسلاوی و فنلاند و بلژیک و چین و هندو بزرگ و مکاران و لژگرا بوروک و موه و کلر درازان سفارتخانه های انگلیس و آمریکا و ژوانه جدید و کادان و رابرتان سفارتخانه های فرانسه و کوبا و اسلواکی و غیره مشاهده میشد.

مراسم احترام از طرف گارد شوروی بپل آمد و موزیک سردی ایران و شوروی را داشت. نصت وزیر بنظن مختصری در برابر میکروفون ایراد نموده گفت: این جانب بسیار خوشبختم که بتوانم بکنار دوست سوسیالیست کشور بزرگ دوست قدرتمند میگرددام هیئت نمایندگان ایران منتهای کوشش را در راه تقویت و تحکیم و رفاه های مودت که از غیر زمانی بین ایران و همسایه بزرگ شمالی وجود داشته بکار خواهند برد.

سپس هیئت نمایندگان ایران بکاخ اختصاصی که قبلا برایشان تدارک شده بود رهسپار شدند.

روز پنج شنبه آقای نصت وزیر در قصر کرملین از ژنرال ایسم استانین ملاقات نمودند در این ملاقات آقای مولوتوف کسیر خارجه اعداد جماعیه شوروی هم حضور داشت.

مذاکرات و ملاقات های آقای نصت وزیر در مسکو در محیط سیبانه ای جریان دارد آقای قوام السلطنه در اثر ملاقات با ژنرال ایسم استانین عده ای از کارمندان عالی رتبه دولت شوروی ملاقات و مذاکرات لازمه بعمل آورده اند.

تخلیه ایران از نیروی انگلیسی

ماژور ژنرال ساوری فرماده نیرو های انگلیسی در ایران و عمان که بنظران آمده بود پیشانیگان مطبوعات اظهار داشته که دوم مارس نزدیک است و در روز ۱۱ اسفند آخرین نیروی انگلیسی خاک ایران را ترک خواهد گشت.

صقیر کسیر جدید شوروی

دولت شوروی در نظر دارد آقای سادیگفک صقیر کسیر خود در پیرو کلاوی را بدست صقیر کسیر آن دولت دوازدهمین و احرام دارد.

مهاجرت ستاد ارتش

آقای سرهنگ با تا نظیر بعلوت ستاد ارتش منصوب شده است آقای سرهنگ با تا نظیر از اسرارن شریف با شهابت جدی و معان ارتش بوده و در خدمت ای که بجهت داشته اند کاردانی و فابتنکی خود را برپوشه نشان داده اند احتضاب ایشان بعلوت ستاد ارتش جای بسی ابدواری است و ما نیز بنوبه خود موافقت ایشان را در خدمت بسببکت خواستاریم.

فرخ در قهران

آقای فرخ استادان فارس که به تهران اعزام شده بودند روز سه شنبه وارد شد.

فوت دکتر نصر

آقای دکتر و لاء نصر مدیر کل وزارت فرهنگ پس از مدتی کسانت عفت گذرته در گذشتند و مراسم تدفین در وزارت فرهنگ در تشییع جنازه آن مرحوم شرکت نمودند.

ترجمه آقای منصور هینوار

مفاره دزدان



سپس رانانیل هراس را ترک کرده بیرون فار شانات روتنی بدر خار رسیده سر را بر گردها پیده با دست از او جدا حاضی کرده.

امروز دیگر هراس موافقت خود را طوری دیگر میده با اینکه رانانیل از کله کردن باو در فرار خود هاری کرده بود باز ناامید بوده امیه فرار دوباره و در قتلش قوت میگرفت. سپس خود لکر میگردد و نقشه میبندد.

لایه مادرش دوستانی بیکار شست شاید همین امروز با عده سرا با بانها بیاید و او را آزاد کند. اما چرا بدینگران چشم امیه بدو زده. او خود جوان بود و بیجوری زبانی درخود میده فراردم چندان غیر ممکن بود.

همه خواب مسته هیچ نگهبان هم در درگاه بست بدون خاک فراری هم که در کسار آبشار میبسته هنوز بست خود تره و آبجاری می کشی. هیچ ماضی برای فرار بود. اما که چیزانقط بکچیز اورا از اجزای این تصمیم بازمیداشت و آن زنجیرهای پایش بود.

زنجیرها بودند سکه توانایی کوچکترین حرکت را ازاد سلب میکردند. با کوچکترین حرکت روی زمین نخورده صدای زبانه بلند میشد. بالاخره برای از پیش برداشتن این آخرین مانع چاره اندید که شمشه آنجا را بدست بگیرد و سپین حال راه برود باین طریق توانست بنقدمش بی رود اما زنجیرها را در پشتش رابسته که کرده و دانه که بالای امیه او را بپهل بپاس میکند.

سپس ازلاش و گوش زبانه خود را بدر غار رساند از آنجا هم گذشت و در خارج فارودید. نسیم ملایمی بصورت رفته برپهش خورد، حاشا را در گدگون ساخت.

آزاد از پیچیدگت بیه است، اما الفوس که او ازاد بود میخواست بفراتر رود ولی الفوس نیوانست خسی راه برود. نفس زلزل اینطرف را نگرست بیچسک آنجا بود اما چنانچه زنجیر از کوبیده میام بود. چون او را در اینشتانت نیوانست فرار کند.

آه من آه سپه بیرون کشیده بروی تخت سنگی انفرادی آهست با صدای ملاقات بازی گفت: راستی من کلا دیوانه بودم که خیال میکردم میتوانم فرار کنم صدای سخر آبی ز شنیده شده که گفت: پس چرا تلاش میکردی؟

هراس سر را بر گرد داده آری کورا دید که غنچه کتان به صحبت ادامه داده میگفت: شاماداشی تازه کار می بنهاندی گمان می کنی که زخمه دهنگاهماری یک اسیر هم هستی آیم؟

هراس با عدهای خضوع آمیزی گفت: آری بسکوه هراس را فدا ستایشی شمایت کنیبه مادرم صف دادای خود را بشنا خواهم داد آری کوه گفت: بی عهه تلاش کنیبه اینجا بیچسک دفران خود که حضورت کرد ختر اگر من درون های پول باو تحول دهمی بسط منظر غار حرکت کرد.

هراس چون خود را تنهاید آهست آهست حرکت کرده زده یکدست بزرگ فرار کرده بدو چون فکر فرو رفت و تابع گشته او از تکامت برود به میانه با خطر آورده مضمورا رانانیل تکر او را دید بغد منتول میداشت باخود میگفت این دهمس چگونه انگلیسی باه گشته چرادرمیان میدت خنخه فراران و دزدانی زدگی میکند در صورتیکه اطلاق او با آنها توانا ندهد.

چطور در میان این خدا نشانانت توانست عهده میسک بعدا پیده کرده و آن را حفظ که اینها فلکتری بود که از معیله محسوس چون میگفتند.

هراس دوباره بهرود آمد.

بلم آفای مصد مردخ کردستان

کرد و کردستان

— ۷ —

(سه اردلان)

ازضا يك كره ياي حسنى خان
 خورده ميروخ ميوفه با آن زخم برادر
 دلورا از دسترس دشمن خاج سكرده
 اجازت مني ميگرد ولي پيش از امان -
 امان خان پسر شروخان ولي پيساوردی
 خان پسر مصد موخن خان كه داماد امان -
 اف خان بود همدان با چاسي از روساي كردستان
 كه مر او برده (با هم منقشه بزم
 اشغال حكومت كردستان سبت ميچويند
 و هشت روز پيش از ورود حسنى خان وارد
 سنندو ميوفه مصد و شيك يك كره دل
 مرخود با آنها موافقت نيكند هيكنه
 حسنى خان بنزديك سنندو ميرسد ميوفان
 و در پيسان و امان اف خان مر دو
 ميروان و آفان پسر اشتر مر ميكنند
 حسنى خان هم ميت سر آنها وارد ميكند
 همد بهالجه زخم با پيرداد و امان اف خان
 و پسر و دردى خان پخته و همديان سن
 ياشان با هم حيهت ثوري سردي
 مليك يك برادر خودك مشور به مليك
 سر تگه بوده بگفته آنها ميگفته

مشاراها با حيهت ستر و باه و
 سياه با ن وارد ميروان ميوفه حسنى
 خان و مصد و شيك يك با گوج و همد و
 كسان خودركت كرده پيران دويت
 عاهدت ميروند از آنها قاصد زردالي
 بنهاد ميگفته و شرح تفكيك كشي پاشي
 بلبلان را بروالي ايلاع مينمايه ملا كره
 قاضي زاهم فرد مليك يك ميگفته كه
 ميروان قائل بيمرو سذر باه راگر از
 طرف والي امر رسيد كه كردستان جو
 روم باشد ما هم بدون طعنه اطاعت خواه
 كردم اگر ه الوقت اشان مختار خواهند
 بود ما و والي را اطاعت كنند يا كره
 لمانت بعض رسيدن قاصه حسنى خان
 كه در نورا والي بنهاد امير پيوخت
 حيهت بان صادر و تدفين ميكنه كه
 بهر چه حق تجاوز از مرده تدارك
 نرسا مر اجرامت بستى با بان حسنيهان
 و صبه و شيك يك يزدى هم مدارت نبوده
 دو نى هم ۱۲۱۱ هجرى امان اف خان
 و هسار تهران ميوفه

مجاورديهان و ساير رفا هم پس
 از چند روزي باستاند حسنى خان پسته دو
 مر اجرامت مينمايه مظان اين ايام كه ندى چه
 ۱۲۱۲ هجرى بودى فصيل شده جاي هم
 شود بر اجريه و اركه شلخت و اركه خاش
 طوس نبوده و سماه از جلوس او گذشته
 است حدود شيك يك هم مرشد هفت
 يماكر كره هسار تهران ميوفه كه هم مرخ
 خورفا صالحه كنه و هم اقدامات امان -
 اف خان را عظيم سازه و حكومت حسنى

از سنندج

ان تو طبع حيران

صو گيام برين دازه نگارا مردم افزوده
 دس نامم كه بر ترچه و بريزي مل كه مقنوه
 مستكاراني موگان صدف چوري ناي كن
 سيشرو صاف و لاسوسان ديرد او جسته موژوله
 ذوقه همه مستقلي كرده مو صغلي تيكلك كره
 له بين او در صله كم گوگوشو لغواور ميگوو
 به امالي غرض اوتامده واي كرده روس
 به نكتين توي كه من رجا نوه شياد و ملووه
 ابي اويوكي بي بركي جنابت كار و خلائ بو
 مزاى من لغري تو او بو به عتليش شده مقروه
 اتوي تو خدا قلتي مني بو كره خطام جي بو
 چرا كي سو تو انام له لهر ديمه ووي گلگوه
 لهر وزي كه ورتب خوي صخر من وازن پناه كره
 له مدام الله اللن لكى ميهوره وه گونوه
 سراجه له گيوام كه شوي زار و گرگيان بو
 كيزي اشكر مر جانه له چاو كي رودى چيسوه
 قصه بي شينايي خروله كره تره تره تره
 كسي جي وطن خوي بو اوه ايماني مستوله
 دو كي دوسى ابيكها خلاى سوس پيوخت ناي
 خلاى نيه كن، ناسرمن، اوچوته افزوه
 نداد كاري له مر و بومي مشولو كرانى كه
 بربو اقامتى شم بوگي مشتافو ميووه
 گرتاراني زلت و برهت تو كي اين بايى
 بتالي زلفه زنجيرن اسيرى شاگي مقنوه
 امان شاكوشولى كوي ترو باچاوم و كوسره
 (اطماع امره و شك باه لاله مر فضيكي ماعوه
 وطن غوفه قربان بي ولايى و رهبر تاشكي
 تو لالي له منصب ماعفا شو كاري ميهوه
 كني مشتاقى ماعى خالي كيمه روي زيبانم
 بشترى كبتين لغواله لي ني ي شو چوه
 چلبي چراني تو جرگي برم ام جاره هل نام
 بچاوي خود ديتن قايش و امشو فيضوه
 به لغنام واره سوله ترمس اوردس و بره كا
 كسي گيوام كه ماوه سلبى كالمه ميهوه
 اكر مياي وياتي كي هزازي كي اوه ديره
 در اين گيا نول جيسران له سبه ي سرشوه

از سنندج

اسمى آفانيى كه در سنندج بر اى كلك به

مستندان اعلاه داده اند :

- ۱ - آفانى حاج شيربيران ۵۰۰۰ ريال
 - ۲ - آفانى حاج سالار نانج ۵۰۰۰ ريال
 - ۳ - آفان ساندر وازان ۵۰۰۰
 - ۴ - آفانى عزيزاف مسعود وزيرى و خانم ۲۰۰۰
- آفانسان مستننه ها هم جسا پرداخت مبلغ ۱۳۰۰۰ ريال
 رانتهد نوبه نماند.

آفاني حصر وراثت

آفانى اسميل مشهور زيرى داغ خاستى بهاد گاه بخش كردستان
 تدهم كه آفانى حاج محمد قلى مشهور زيرى منيف اذالو سنندج بهرست
 آفانى يوسته وراثت آن مرحوم محسوس بيك زوجه (بانو عالم خشاره)
 و ۴ پارس (آبان بردها) مننده وزيرى - حاج اسدالله - اسميل و
 ميهدى) و بگفته (اردها اسدالله) مينمايه باستاند كره ايمانامه بطي
 و در وراثت ششاسه بر اى خاستى وراثت از كلك تر كه مرحوم مورث
 صدور گواهي حصر وراثت خواستار شده امانت به باورثالى دوروز نامه
 رسيد و روزنامه كردستان و روز بيشوداگر كسي و خواهي داد باورثابت
 نامه از مورثي نوزاد هت اذنازع هت وراثت آفانى كسى و مسلم باين
 دادگه تدهم والا گواهي صادر و مستنامه جز و سسي و سرى لاله
 لا ابراست

سازمان نظرمي ييك و عاغه ونگار تيكى
 كه هسان حاج مبرزا ابراهيم خان خود
 اعظم قيرازي ييكه تولى ميشود كه تفصيل
 ييك سر بزرگ مصد و شيك يك بنام
 و كلات نال ميشود.

تأيت
 در گذشت شاد روان ظلى را به
 زاده مكرم خان مصدرا جناب آفانى
 اسد ظلى را بان گذرگوشه ظلى ميان
 افاده كه بهادى هساردي تائيت
 مى گرديم.
 كوهستان

پيام آفاني سليمان بن ابي اسحاق (روز)

گرمناشاه متروك

- ۱۸ -

سنجایی

- ۱ -

اصطلاح عرف محل (کردی) این طایفه را سنجایی (پیکس اول و سکون ثانی) میگویند.

مشققات طایفه سنجایی

سنجایی از سه منشا ناشی میشود: ۱- قسمتی از آنها از فارس آمدهاند و اینها عبارتند از تیره خوائین سنجایی که در سنجایی (آملر) تیره جالاری (۱) (چالایی) میگویند. ۲- تیره خوائین چهار خانواده بزرگ هستند: خانواده بخیار که خانواده سرداران سنجایی است همیشه بر این ایل ریاست داشتهاند. خانواده بیخودار (بختیار و بیخودار برادر بودهاند) که از آنها عده معدودی پادشاه شده اند. خانواده شفا مروت خانواده ایل شالی خانواده علاوه بر خوائین دسته های مختلفی به اتفاق آنها از حدود فارس کوچانیده شده اند بهترین این دسته ها عبارتند از تیره دستجه ردار غور و اواسه کوه (هواسون) و دولتنده ها و مجری لام (روجرود) - دورد و دیوه و بیوه چشتیان (سه تیره انزلی امروز ازین رفته و با دو تیره های دیگر مشتق شدهاند) کوچانین این طوایف ظاهرأ ۲ مرتبه صورت گرفته یکمرتبه در زمان صوبایان سرحد غربی ایران خالی بوده طوایف از فارس و لرستان باین مصفاات کوچانیده اند مرتبه دوم گویا در زمان نادر شاه باشد. ۳- دسته دوم از حدود شهر زور و دیاله آمدهاند و اینها را بنام جمردالیان (که گویا مشتق از لفظ دیاله باشد) و مهم ترین تیره های ملی آن عبارتند از تیره صوفی و خسرو و کل کل

۴- یکگانه دیگر از طایفه سنجایی از لرستان کوچانیده اند و آنها را بنام طایفه حسنی و باصطلاح محلی ورده دسته (خرده دست) مینامند و بهترین تیره های ملی آنها - هارکند از بیسبیه و نوجالیزون و سرخکی (سورکی کردی آن است).

تاریخچه مختصر خوائین سنجایی

تاریخ طایفه خوائین را از فارس کوچانیده رئیس آنها شیخ علی نام داشته و این شعبه سه فرزند داشت: هرشه - علی زمان - و مراد علی. هرشه چند بزرگ خوائین الهی خانی است مراد علی بزور کس از سه برادر او بوده و چه اعلی خوائین قلی سنجایی است. سنجایی بعد از پدر کلاتر طایفه سنجایی بوده و بعد از او پسرش خوجیه

ایل (۱) جلیل سنجایی که دوست باختری ایران و شمال کرمانشاه و شمال غربی کرمانشاه واقع است از ایل طایفه پرسی و آزادخواهی متواترین ادوار اخیر این کشور جاگناک همی را دارا است و همادوریم که آفانی سرلنگر رزم درآورد درصحه ۲۲ کتاب خود نوشته اند ایل یکی از طرف نامی کرمانشاه است که در جنگ بین ایلان اول از لحاظ حفظ حدود و انتور کشور و مدافعت جماعانه خود تلفات زیادی متحمل گردیده است. این ایل در حدود ده هزار خانوار دارد قریب هزار خانوار از این ده هزار خانوار و تفرقان میمانند و هزار خانوار دیگر بطور دائم در محال ایلاتی و تفرقاتی سکونت گردیده اند افراد این خانوار ها عموماً بلند قد و ورزیده و خوش خلق و قیافه شجاع و بیباکند و سوارکاران این ایل در آن مصفاات که نظیر نه زمین چه در مناطق از همین طایفه در موقع سیح یکدیگر مبارزه کرده اند.

محل سکونت ایلاتی سنجایی چنگک مایه است که از سابق پانوف شروع شده و تا حدود دو واسر اندر اورد و دارای سینه پارچه آفادی است و محل تفرقاتی آنها در حدود قمر شیرین و قلعه سربوی و تویه و قطار و آن دریاغ و وهاب و جگربران است. دو تبار این طایفه سرداران معروف و روان بر تباری پیدا شده که متصفانه دولت های وقت تورانیست این از وجود آنها که از خدمت باین آب و خاک نظری نداشته اند استنباط مینماید.

یکی از این سرداران مرحوم علی اکبر خان (سردار مقدم) سنجایی است که علاوه از رشادت و بیجاغت فوق العاده ای که دارا بوده است همیشه قویم و با کمال بوده و پادشاهای مخفیری مزاج جمعی سنجایی نوشته است که ما اکنون با جرح و تعدیل مخفیری ستمی از آنها در این مقاله عبورده استفاده فرمائید.

وجه تسمیه سنجایی بطوریکه خود سنجایی هم نقل مینماید در زمان پیشین همه از خوائین آنها حکم بر می آید و این امرودات ایلی بوالی - کرمانشاه مراجعه کرده بودند در درود یقه یاقوت بالاس آنها پوست سنجایی بود و باین مناسبت آنها را بنام طایفه سنجایی خطاب میکردند و بتدریج این لفظ عام شده و باین نام موسوم شده اند ولی تا چه اندازه این روایت مفرون بحقیقت است معلوم نیست.

آفایی حصرووات

قلمبه خانم جهانی دل در شوانتی پادادگاه بخش کردستان تقدیم کرده که بعد گیوان پناهی مقیم دائم ستهج لوت تیره وادرت او متعبر بنیاسیه (زوج) و پیکسیر (مطاه) یکدیگر دختر (حاجیه) میباشد. پاستاد گرواهی کوهان محلی ورواوست شناسنامه برانه استفاده ازضایحه ترحه متونی همور گرواهی حصرووات اواسار شده اند و مرتباً سه نوبت متوالی در روز نامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج مینماید که کسی وانخواهد دارد ازشر اولین آفایی تاسماه باین دادگاه مراجعه والا گرواهی صادر و صوبت هم جزرسی و سری فایده نیا تراست.

آفایی حصرووات

بنام خ ۱۳۲۴/۱۰/۱۷ با عنوانه امیرصحت طبق تاسنامه شماره ۲۹۸۱۲۴ پاستاد بیکرک برش نامه ورواوست شناسنامه خود و خلاصه برك تاسماهی حصرووات را نوده بدین توضیح که مرحوم مشهیدی حسین دشتبان کرد بچه دارای شناسنامه شماره ۹۷۹۶ در سال ۱۳۱۰ در تهران جاگناک دانی خود مرده و درت مرحوم حسین اللوت متعبر یوده تاسنامه شماره ۲۹۹۶ برمانشاه یکم اقبال طلب بشناسنامه ۹۴۳ در هبال و پیکسیر بنای علی اکبر کرد چه صدور گرواهی حصرووات نوده است پس از شنیدن گرواهی کوهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکسار در روزنامه رسمی کشور شناسنامه و روزنامه کوهستان آفایی میشود با گذشتن مدت بدون معترضی بر سر تاسنامه خود امده و نیز مقرر میشود که کسی وصیتنامه از متونی دارد در ظرف مدت سه روز برابر و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. رئیس شهبه دادگاه بخش طهران شایب میری

۳-۲

جاشین او شده. سومیرهم دویسر داشت بر شوردار و بختیار که هر دو آنها معاصر میباشند شاه قنار بود و بختیار بنسبست خدمتیکه بدولت وقت کرده طلب طلب خانی شده است. بختیار خان دو پسر داشت یکی حسن خان و دیگری ابراهیم خان. حسن خان در حینت موسس طایفه سنجایی و شاید بزرگترین مرد این خانواده باشد از زمان حسن خان طایفه سنجایی جزء ایل زنگنه بوده و از زمان او بیعه بپوجب حکم دولت از زنگنه مجزا شده و بعدت ایل واحی بریاست سنجان در میآید. حضرت خان مردی بسیار ثروتمند و خیر بوده و پیش از پنجاه پارچه آفادی معروف خریداری شده داشته است یکگانه از این املاک را مجازا و با قیمت ناالی اقساطاً بعبوشان ندان خود داده و آنها را مالک کرده است. مرحوم سنجان دارای ۶ فرزند ذکور بوده که عبارتند از: محمد رحیم خان - آقا خان - کریم خان - خدا مردان - خسرو خان و فرزند محمدخان مصدام الممالک.

(۱) ایل بیکسراول و سکون ثانی مجهول و لام بلنت سربانی یکی از نامهای خدای منتقل است جل و جلله و زبان ترکی یعنی دوست و رفیق ورام باشد که قبض و محض است و مردمان و جماعت را نیز گویند و عیال و از زمین گویند که نالقه سزار باشد و بیکسراول واقع ثانی مدینه کنگر گویند باشد. گویند چون بسیار خود بینی خود را بر سر او مانده بنسب ملابور جا بخواهد کشد چنانکه مقاطعش آهن را چون مار را بخورد شفا یابند و بر سری بر آلودنش خوانند. بعضی گویند ایل کسفته کوهی است و سکون او علاج کسی است که زهر بوی داده باشند و چشم اول هم کورانه اند. «برهان طایفه» کلمه ایل ترکی است و استمال آن از زمان استیلائی مغول در ایران بوده و معنی آن طایفه است. (۲) جلال یعنی کردی یعنی جلال آب و ولی اشتقاق این کلمه معلوم نیست که از جلال است یا از تیره چلی است که یکی از طوایف بزرگ کرد است.

نماها و تلگرافات وارده

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان -
عطف بندرجات شماره ۴۶ -
۱۳۲۲/۱/۲۴ آن نامه نامی در مورد
تلاش فرساده‌پاری زاهدانری بطوری
که خیال من جراید منکنس گسردیده
ساجداری زاهدانری تابع وزارت دارائی
برده و این اداره نسبت بان دعائتی ندارد
برای کشف اشتلاسی و تحقیق منسجه نیز
وزارت دادگستری مشغول ام-امم باشد.
فرمانده زاهدانری عملی ک کشور
سرتیب خدمتنامه

آنزصلح

بیت ۴ روز است رسید، راهبا
بیت، درامه سربیه کالای دخانی و حواله
وجه رسید، شیر درضیه است .

آنزصلح

آقای سید سعیدین وزیر در امر
دعائیات جدید و نظارت شایان دوردانی
مبدول مبارکداری ولی رسیدن وجه از سر ک
گروها و اطلاع کرده است .

آنزصلح

تلگرافی بماضی هده ای از اهالی
رسیده از آقای ساجدی رئیس فاشتر اخطار
و طایب رسیده است.

تلگرافات دیگری که از نمایندگی
و خبرنگاری نامه کوهستان دوسترسیده
ساجی است که صندوق غله سبز بدون
درواقف حق حساب پول فروخته گان را
خبر روزار.

توجه اداره کل غله و آنلای ساجدی
و پس غله سبز بسایم موضوع جلب تیز
مینور .

آنزصلح

آقای صالح وحسی تلگرافا اطلاع
میدهند اگر تلگراف بامکتوبی بماضی
ایشان بر علیه آقایان جلی و اووری واصل
شده باشد مورد تکذیب است.

پیکنگر کردی

آقای دیکنگر کردی -
چون و مذوب سرکار نامه شازار و ساجیه
روسیه دریافت داشته ، مقاله ارسالی
جنابانلی ازهر جبهه خواندی بسود ولی
متاسفانه نام خودشان و امرفرمو ندانند
برودید تا چاهی آن آری ما مطمور باشد
ایمیدواریم ، در صورتیکه واقفا مایل
بماند ، مقاله باشد ، خودرا معرفی فرموده
و اطمینان داشته پاینده نام سرکار مکتوم
خواهد ماند .

کشف

بطوریکه آقای فریبونی ساجیه
مادر گروه اطلاع میدهند ، آقای دستفر
سجیه علاوه بر مراد دیوانه که بیلا برای
کتاب فصلین بیضات داده بودند مبلغ
بند تومان دیگر نیز تلگرافا حواله
دماند .
این اقدام بیک آقای دکتر شایان
ند است .

ترجمه بیست نالیفادهای فرانسوی لوسی پول مارگریت
و دکتر ک. ا. پ.

فرسی ده شعر وادیات کردی

دویشی اشعار آن بشعرائی که برای گرفتن
پول هم خودرا صرف مدح و ثنا خوانی بزرگان عصر
آدمیشتر بربان بیگانه میسایند اشاره نموده و راجع
بکتاب خود میگوید :

«اگر این میوه آید و اولد بیدند اینقدر هست
که کردی است و همین کابایت میکند» (۱)
سوس میگوید : «چون بکنتر بیه و در هستم نه
چو اهری ویک طاهر فطری مستم نه پرورش یافته و
تمسوی ویک ازاراه حامی توده هستم باطلالامت و
و آشباری راجع بقوم کردی» (۲)
در مقدمه کتاب میگوید : «آیا میشود بکروژ
بغت مارا باری کند و از خواب سنگین که در آن
هستم بیدار شده و بیک نبات دهنده در میان ما پیدا
شود آیا روزی خواهد آمد که خشخشیهای ما بارزهی
که سر اوار آن است برسد»

آیا کسانی پیدا خواهند شد که از احوال و علم
این ملت مطلع شوند ، آیا برای دردمان دوائی و برای
زورم از نسیبای ملبسی پیدا خواهد شد» (۳)

شاعر در ضمن جریان داستان روحیه و طرز فکر
خود خودرا با مشون اشعار منماید : «در بیابستی
پشروی پنگدل خود ابتکاء داشته باشده زیر سکان
است روح اندلس هیچگانانورا از مصیبتی که دامنگیر
او میشود دهائی تصعد»

پس از احمدهی خالی - اسماعیل ذوقریای ۱۶
جاشین او رده و با متن سرشار خود طبیعت
و استادهاد درک رموز و لطافت آن و با تکمیلی
مهیج مولازد سطرطراف اثر چاروبان خود موسم
به تصدیق گنجاه و آکه در دفتر فنانی کردی راباوج
مجد رسایند ایجاد نمود» (۴)

پس از فزوت مرادخان در قرن ۱۸ دوره اشعار
کلاسیکی کردی خانه میابد. (۵)

- (۱) «... و مروه اگر نه آبداره
که زمانیه نه وقدر نه کاره
هر مطنه اگر نه نازینه
تو باره به من قوی شیرینه
محبوب ولیاس و گروشاره
ملکی ده متن نه مستشاره
الفاظ و معانی و عبارات
انثا و معانی و افلاط
اسلوب و صفت و سنی و لفظ
اصلا نه گوین ، بیک ژوان فرش
- (۲) «... و یله ورد نه گوهر مریه
خود رسته ، و نه پروریه
کرمانجی و کوهستانی
نه و چنه جنرده سکر داری
توضیح : کلبه نه در اضمار بالا در زبان
کرمانجی یعنی من و زمین و آرزو آرزوئی و سکینه های
معاشتی است .
«... یعنی دوازده فارسی است در لجه اووراسی
«... و در لجه اکی «...» است .

(۳) «... چون ترجمه اشعار دراصل کاتبی که از
آن ترجمه میشود باین اشار اختلافات مختصری دارد
لذا این اشعار کردی درج میشود»

ایرانی اطلاع بنام آرتلی
از احیای طرز و فنار آذای سرنگه
۲ قرن اباع فرما داتر نامی کردستان انطا
قدردانی شده و نظری و بیطرفی ایشان
دوستکار انصافاتی ابعین شیربات استانبول
سنگه کردستان کرده شده است ما اینرهن
خود اقدامات بک ایشان قدردانی بنمایم

- چند ضرب المثل کردی بلهجه قو چغان
۱ - «... هر چه چانه که فی آدیر آهمده کلی
کوه بکنده لهرسه آدم بادم برسه»
۲ - «... هندی بی هندی بری ابوی
شدا کوه را می بندد برف بر آن میارند»
۳ - «... هندی وی جواهر وی جوان موانج نکه
شدا این چشم رو بان چشم سنجانکنه»
۴ - «... دهنی شکاند بنده مارگی ودنی
دست مردم برای گرفتن مار خوبست»
۵ - «... مار هر چرخل و خار بوری آخر که دی
دوزخه رو کنی
مار هر چه کج باشد راست به سوراخش
میرود»

این ضرب المثل ها را آنلای وحید زاهد لای
توچان ارسال داشته اند .

اژگر هاشاه

آقای صالح رئیس اداره اقتصالی کوهستان
منوینتد که سببه شده و عینر چاهی این حوزه فقط
مانیای بصدق است که برادر هر نفر با صد گرم
درمانه برای دوست هزار نفر کافی خواهد بود ، در
صورتیکه قیمت موزه کرمانشاهان و تواج در حدود
پانصد الی ششصد هزار است و هده مبلغ صدای
در حدود سیصد چهارصد هزار نفر از سببه معلوم
ماندهاد این نسبت بیوجهه مربوط بندهاره پیش و
اقتصاد کرمانشاهان نیست و کابلیت هده به با مرکز
شده و بصلت دستورالکی که مستهوز سببه این حوزه
تکمیل ندهد است از اهالی محترم فقط میشود تا رسول
دستور از سر کت نامل فرمانده امیدوار است قریبا
ترتیب رفاه و آسایش عموم از این حیث داده شود .

فقط مسکنه او از چرخ لوب
طالع باینن تا بومه کوکب
یعنی نه از بومه و اینن بار
چهارک به پیتن ز خاب شیار
وایت زده جی جاپن پانیه
بیدا به پیتن نه پادشاهیک
شهی هشرامه پیته دانین
تدری نلما نه پیته زلین
دردی نه به پیتن علاجی
طلی مایی پیتن رواجی

(۴) اسماعیل یکی از اشکارهوان احمدی خانی
و در مدرسه که مشارالیه تالیس نموده دانش آموخته
و پس از مدرسه احمدی خانی فومدرسه معروف جانشین
آرند و دست ۲۰ سال بزبان کردی در آنجا تدریس
نموده است .

۵ - مرادخان از اهل شهرستان لاریز (۱۰)
و زندگی او بین ۱۱۵۰ و ۱۱۹۰ هجری قمری بوده
و شعر اشعار او از نوع فول و مرتبه میباشد .
(مترجم)

کوهستان

وارد

آقای دکتر اردلان مدتی مجرم روز نامه کوهستان

مقدمه

جواب جیبز

برائی روشن شدن ذهن خوانندگان در زمبته نشیبه مورد بحث فرح مصفیری از طرایف کرد موجود در فارس که در دوره مغان ظهور سلسله ساسانی و پند از آن بطور منظم لازم بشمار میرسد. وجود طرایف کرد را در فارس و دوره ساسانی و اسکاکیان مورخین و جغرافی نویسن یونانی از آرتستان و آترابون و غیره بامس کهرداک و کوهی در تکب خود تسریح نموده اند و وضعیت این طایفه در دوره ۳ ساسانی که اختلاف تاریخی واضح آن خوابی بیش از دوره های دیگر است بوسیله مورخین و جغرافی نویسن ترون اولیه اسلامی از ایل بلطری - سوری مصفیری ابن حوتل و غیره بطور نسبتاً روشن و جامعی در تالیفات آنها ذکر شده است که آنها بوده اظهارات آنان جزء منابع تاریخی قابل اعتماد دوره مزبور است (۱) صفحه ۶۵ و ۶۶ که نقل از ایران باستان و جامع صنایع و برخی مراهجه هود.

بطوریکه مورخین و یور منویسند طرایف کرد ملقب فارس در دوره ساسانیان پنج دم بوده اند - مصفیری در صفحه ۶۸ کتاب خود و ختیر دم های مذکور را اینطور شرح میدهد و اسم دم برای اینها من مناطق گردنشین در آن اتملب (فارس) وضع کرده و هر دم که جمع آن دم است بنزله یک شهر مرکزی برای کهرداک بوده که رئیس کردهای آن شهرستان موظف بود و کورمل و مصلحت است آن جا بورد است - این شهرت اسامی درمهای مذکور در فارس -

۱ - دمهای چلویا - یا - دیمجان (کوه گیلویه طلی) ، این منطقه متصل سرزمینان بوده ۲۰ - لارالی جان ، این شهر از و خلیج فارس ۳ - دیوان ، در شیرستان خاور ۴ - کاربان ، در حدود کرمان ۵ - قهریار در خود اسمهان و باین دم اسم مستور با زمین که یکدم است آن دو ولایت اسمهان برآکنده بوده اند نیز اطلاق میشده.

مصفیری بعد از این اسم ۳۳ ختیر کرد ملقب فارس را ذکر مینماید که این ختیر در کتاب مسائل و مسائل (مومللد ۳۳ جبری) بتل از دیوان سده (دفتر مالیات) و منسی درمستکلب اتمن التلمب (مولف ۳۷۵ جبری) نیز اسم آنها را ذکر نموده که در این جا فقط بدگر اسم دو ختیر را اشاره و شاکه ای کرده این الیگی در لارستان آن ها و طایفه از پنج طایفه شباکاره محسوب مینماید ذکر آنها بد بررسی های بعدی ممکن است مورد احتیاج باشد اکتفا بکتیب (بطوریکه در دایرة المعارف اسلامی جلد دوم منویسند نقلوبه موسس حکومت شباکاره فارس از طایفه رسانی بوده)

رقم ۵۰۰/۰۰۰ - غانوار که طبری و ابن الفکی و غیره در جیبز کوهستان فارس تالیف شده اند هر چه هم میانه آخر باشد نمیدانم یک شیت را که بسیاری و بیرومنی کردهای مینم فارس است نشان میدهد.

این بلغمی در فارسانه منویسند ، و ذکر کردان پارس به روزگار نسیم - بردان پارس پنج دم بوده اند - پس از ذکر دم های پنجگانه منویسند دوچندان شوکت کی لشکر فارس را بدی کردان بودی کی سخت سپاه بودند و با اسبان و سلاح و چهار پان و در عهداسلام هم در جنگها کشته شده و در دهان آواره مانده اند

موضوع تفتات وارده بوده بگردهای فارس و در جبهه اعراب مسلمان ما محرم از طبری یور بیسین مورد در تاریخ خود ذکر نموده و طایفه ماضدیان بلغمی در زمان تاریخ طبری باشد .

امروز ملاک آقای کوهلو کبیل دوست مصترم خود و بر فرضی و اسسه شادرد ذیل آن مرقوم فرموده بید خوامه احترامی را که جنابایی برای مقامی و اساسات اشخاص نالی میثوبه حسنا و توبه که از مذاکرات چند روز قبل سکر استنباط کرده بودم در نوشتههای امروزانم بدم بی نهایت خودتو قدم از اینکه بر خلاف تصور نالی من شما سالیبه مایه و نظریات منصف را بشنوید و روزنامه خود را حلیه آینه انکار کرده انرا فرموده -

درین سالیبه با کمال صبر تا ازین روغن یکس که سر کاره در دانی فرموده از احترامی که برای احساسات من قائل شده بید صیبا به تشکر می بنماید از تفاوت های غلط و غیر معنی که آقای جیبز نویسنده گرامی شما متأسر و تکیب میکنم چرا در مطالبی که اید از مربوط با ایشان بوده دخالت کرده و بی جلائی که نالی از لغات قدم لیست به من حله کرده اند .

مترجم مصترم خوب بود جواب اتقاد هائیکه که من از کوهستان کرده بودم به مدیر مسئول روزنامه مزبور او را گذار و خود فقط جواب سوال تاریخی بندها که مربوط با ایشان بود بدهد اکنون که لازم دانسته اند برای بحث علمی حسناً از سر بدهی بگردگرماعده فرزندانه ناچارم چند سطر جواب تقدیم نمایم - اولاً من برخلاف آنچه معلوم آقای جیبز شده است نخواستام بگویم منظور مترجم داشتن ملیت و امده و ادعا که آن برای آیتابین مطلب فقط ایشان را دعوت میکنم بیکبار دیگر نوشته سرا بخوانند.

و نالی که طبری و ابن بلغمیان اشاره نموده چون خود یک دلیل آرز بر آیتان موضوع که کثرت کردهای فارس که در دوره ساسانیان میباشد بطور فهرست مانده اشاره باین منیابنویسند باطل مطالب میگردانیم ۱ - دو ساهای واته بین ۱۸ و ۲۳ جبری دو طایفه از اهواز و لاسواد را کرد که قسمت شده اند باین و آنشکیلر میداده اند و بنا بچول این اثر (ج ۳ - ص ۱۶ تا ۱۸) اولین تلافی اهراب یا کردهای فارس در بیت ورد اهواز بوده ۶ - در سال ۲۵ - کردهای فارس دو مرتبه در اهواز و فارس بر علیه اهراب لاهم و عورش نموده.

۳ - در سال ۸۳ در زمان خلافت عبدالملک بن عرفین عبدالرحمن بن اوست با کردهای فارس اتفاق نموده و بر علیه سجاج این یوسف لاهم بوده و کوفه را از سجاج گرفته و در همین موقع کردها بر تمام فارس استیلا پانند و پرا از غلب سجاج بن یوسف خلیفان معروف کرد های فارس بواسطه شورش مزبور دچار قتل عام دهشتناکی شده اند.

نالی اینک من در یک اتقاد بوس از روزنامه کوهستان از مرقع است نموده اشتغالی دیگری را هم بیان کرد ام دلیل غرض روزی لیست از ایران تا هیچگونه روابطی با روزنامه کوهستان و آقای دکتر اردلان نداشته ام که برای من ایجاد فرضی نماید و آنچه گفته در اشتغالی ه انشا و غیره نوشته ام نالی از منیبه شخصی است -

آقای جیبز با ذکر ذروح ادولیس که هر چه فکر کردم بالاخره طبعه کجایی مقاله بنده مربوط است مراملا: حکومت میثابریسم داشته ام چون به دارم این تعصیب و نقضات ایشان تمام کالی که مرا کم و بیش مینشاند به کسی دوستم لودیکم و خواهد خنده امو به طایفه خایت لیست منصات روزنامه پیش از این برای نوشتههای خصوصی اشخاص مصرف خود بدگر جوابهای بیشتری می پردازم و منتظر آقای جیبز ساهلو که هر چه داده است بدون اینکه به کیم لفظی علیه خود ادا نه همد با هیچ معاف تاریخی بنده و مرقوم فرمایم - با تهنیت احترامات ناصر مستقیم -

کوهستان سناطوریکه آقای جیبز در نامه ای خود که روزنامه ایران ما چاپ شده بود تا بحساسات اتقاد شده بودند جیبز هم ترانس ات احساسات منیابن خود را آتش خود چالو گری کردی که ما اطمینان دارم که هر دو جز مبارزه ای که نالی از یک سو تمام کوفه بود منظوری نداشته اند و میدانم که هر دو در خدمت با ایران و مسادات ملت و مسکلت طایفه ما ماین بنوی خود توین صوم اصلاح طایفان را در خدمت به مسکلت از خاندان مستقیم مینمایم .

رفع اشتباه

طبق اطلاعاتی که کتب شده است سید حبیب الله طینی شخص مقس و مورد احترام قاضی اهالی رواسن است و از گزارش مترجمی این که بنابر سید بودیم در شماره ۱ کوهستان تذکر داده بودیم بپوش مطلبی زیرا ما هیچکند در وقت های خود سعادت و نیکوکاری این رو را پیش گیریم که بیجهت است اشخاص و آ آفرده نموده و باین جهت از اشخاص نیکو به بی نام بریم -

امیدوارم اداره کوهلو از امری ما با توجه خاصی موضوع را رسیدگی نماید و مسوولانی را تشبیه کند -

جای اداره : خیابان پهلوی شماره تلفن : ۳۹ - ۸۵

چاپخانه کشاورزی